

حکایتهایی در کریستاله

ساعت هفت و نیم شب است،^۱ مکه ی مکرمه در هتل کریستاله اصیل اتاق 1424نشسته ایم. امروز صبح حرم نرفتم، دیشب تا دیروقت حرم بودم و طولانی با تهران صحبت می کردمز عصر هم بارندگی شدیدی بود.

در جمع هم اتفاقی‌ها و حکایت هایی گفته می شود، از شاه محمود برقی که وقتی شنیده بود کسی به حضرت صدیقه سلام الله علیها جسات کرده رفته در خانه ی او و ضربه ای به سرش زده و کارش را ساخته و ماجرای ریاضتی که مرحوم نخودکی برای دفع شر تیمورتاش به جهت جسارتش به حضرت زهرا سلام الله علیها انجام داده است. اکنون که در حریم الهی هستم صد مرتبه لعن بر آن زن آزار دهنده ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرستم و ثوابش را به همه ی کسانی که در طول تاریخ بر علیه دشمنان حضرت صدیقه علیها السلام قدمی برداشته اند تقدیم می کنم.

یکی از هم کاروانی ها از آقای فاضل کاشانی نقل می کند که گفته اند: می دانید چرا به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام ابوالقربه می گویند؟ قربه یعنی مشک؛ به حضرت ابوالقربه می گویند چون خودشان را روی مشک می انداختند تا تیر به مشک نخورد.

همچنین از قول آقای فاضل کاشانی می گویند که کلمه آمین در نماز اهل سنت، اساساً عربی نیست بعد هم یعنی درباره ی من محقق کن درحالی که ما می گوئیم خدایا تو را شکر که ما را این گونه قراردادی که جزء این گروه ها نیستیم، غیرالمعضوب علیهم ...

شام مرغ بود، ناهار هم کبابی تقریباً آتش دیده! غذا در مجموع بد نیست ولی سوخت نداریم! گرچه زیاد هم

راه می رویم!!

امشب اولین شب سه شنبه ای است که در مکه ایم، ترجیح می دهم روز شمار ننویسم چون وقت زیادی می گیرد. زیادتر از آن که اگر توجهی به آن نداشته باشم، فرصتها می گذرد. لحظه های نابِ درحرم، فراموش نشدنی است ولی تنهایی اذیت می کند گرچه سعی می کنم به خانواده نگویم.